

روایت‌هایی شنیدنی از اهالی منطقه ۱۰ و ۹
که امسال توفیق حضور در پیاده‌روی اربعین را نداشتند

قدم به قدم با جاماندگان

۵۴



عکس: محمد حسن صلواتی / شهرآرا

همراه با خدمتگزاران موبک بیمارستان اکبر
که محلی برای آغاز معجزه‌هاست

رویش امید از دل رنج

۶



۲ شهرداری به گلایه اهالی محله رضاشهر
بابت کندی اجرای طرح پیاده‌روهای بولوار رضوی پاسخ داد
ادامه پروژه، نیازمند تزریق بودجه

۷ فرهنگ‌سرای خانواده چهارشنبه هرهفته، برنامه رفت و برگشت
به حرم مطهر رضوی را برای اهالی قاسم‌آباد اجرا می‌کند
لذت زیارت دسته‌جمعی



شهرداری به گلایه اهالی محله رضاشهر
بابت کندی اجرای طرح پیاده‌روهای بولوار رضوی پاسخ داد

ادامه پروژه نیازمند تزریق بودجه

رضاریاحی اسوم اردیبهشت امسال بود که در شهرآرام محله درباره پیاده‌روهای ناهموار بولوار رضوی با اهالی گفت‌وگو کردیم؛ پیاده‌روهایی که از میدان سلمان تا خیابان دعبل خرابی امتداد دارد و علاوه بر یستی و بلندی بسیار، در برخی از نقاط خاکی و در برخی نقاط دیگر آسفالت آن قلمه‌کن شده است. در آن گزارش شهرداری منطقه ۹ وعده داد که این پیاده‌روها در دو فاز جداگانه بهسازی می‌شود؛ فاز اول آن از خیابان دعبل خرابی آغاز می‌شود و تا تقاطع بولوارهای رضوی و خاقانی ادامه پیدا می‌کند.

پیش از سه ماه است که این پروژه آغاز شده و به گفته شهروندان پیشرفت شایان توجهی نداشته است. دیوی مصالح در پیاده‌روها و توقف مداوم کار، مشکلات بسیاری ایجاد کرده و برخی از بخش‌های پروژه هم نیمه‌کاره رها شده است.



پیشرفت پروژه کند است

«اگر قرار نیست کاری انجام شود، لطفاً از دیوی مصالح در پیاده‌رو خودداری کنید»، این جمله، خواسته مجتبی عرفانیان، یکی از اهالی ساکن بولوار رضوی است. او به شهرآرام محله می‌گوید: پیشرفت پروژه بسیار آهسته است. بعد از گذشت سه ماه، از خیابان دعبل خرابی تازه به مسجد المهدی (عج) رسیده‌اند. البته در نقاطی هم که پیاده‌رو اجرا شده، مسیر دو چرخه همچنان خاکی است و باغچه‌ها هم سروشکل درستی ندارد. عرفانیان ادامه می‌دهد: مشکل بزرگ‌ترین این است که می‌آیند و پیاده‌رو را تخریب می‌کنند و بعد هم برای مرمت آن اقدامی نمی‌شود. همه حرف من این است وقتی پیاده‌رو را تخریب کنید که می‌دانید پروژه بعد از آن اجرا می‌شود. لاقلاً این پیاده‌روهای ناهموار را از مانگیرید.

حسین سید صالحی، یکی دیگر از اهالی این معبر، می‌گوید: برخی از پیاده‌روهای مسیر بولوار رضوی در برابر منازل نوسازند، هموار و بدون هیچ مشکلی. به‌هوا این‌که پیاده‌روهای سرتاسر بولوار رضوی باید یک دست باشد. آن‌ها را هم تخریب می‌کنند و بعدش تا دو هفته هیچ‌کس برای ادامه کار پیدا می‌شود!

لاقلاً جلو مسجد را درست کنند

ابراهیم حسن زاده، عضو شورای اجتماعی و از اهالی محله رضاشهر، کنار مسجد المهدی (عج) ایستاده است و به نحوه اجرای پروژه نظارت دارد تا هر چه زودتر اطراف مسجد سروسامانی پیدا کند.

اومی‌گوید: سه هفته است که پروژه تعطیل بوده و تازه اجرای بخش‌هایی از آن شروع شده است. من چندین بار به شهرداری مراجعه کردم تا لاقلاً پیاده‌روهای جلو مسجد را مرمت کنند. اینجایک مسجد فعال در حوزه فرهنگی و اجتماعی در محله رضاشهر است و خیلی از افراد سن و سال دار محله برای نماز جماعت در آن رفت‌وآمد می‌کنند و میزبان مراسم مختلف است.

دیوی سنگ و شن و ماسه جلو مسجد حسابی بد چش می‌کند و مردم به سختی برای برگزاری مراسم ختم وارد مسجد می‌شوند. حسن زاده ابراز امیدواری می‌کند که احداث پیاده‌روهای مقابل مسجد به زودی به سرانجام برسد تا تردد اهالی به مسجد آسان تر شود.

فعلاً تخریب نمی‌شود

برای رفع این مشکل با رئیس اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه ۹ گفت‌وگو می‌کنیم. سیدهادی صالحی با عذرخواهی از شهروندان به خاطر تأخیر به وجود آمده در اجرای پروژه پیاده‌روسازی بولوار رضوی می‌گوید: بیشتر مشکلات به وجود آمده مربوط به مباحث مالی پروژه و مشکلات تأمین نقدی مصالح و استادکار و کارگر است. شهرداری منطقه در حال حاضر پیگیر واریز بخشی از طلب پیمانکار است تا به زودی فاز اول پروژه تکمیل شود و برای بهره‌برداری در اختیار شهروندان قرار بگیرد.

او با اشاره به مشکلات تخریب پیاده‌رو در مسیر حرکت شهروندان می‌گوید: به پیمانکار پروژه ابلاغ شده است که فعلاً تا بهبود شرایط و مرمت بخشی از پیاده‌رو، هیچ تخریب جدیدی انجام نشود.

مردم و مسئولان منطقه ۹ در سامانه ۱۳۷

ریاحی اسعید حسینی زاده، شهردار منطقه ۹، همراه سیدجعفر سیدزاده، رئیس اداره ناحیه ۲ شهرداری این منطقه، در هفته گذشته با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، بدون واسطه و طی تماس تلفنی به مشکلات مردم پاسخ دادند. این گفت‌وگو حدود یک ساعت و نیم طول کشید.



تعداد پیام‌های مردمی

۲۱ تماس

شهردار محله پیگیری می‌کند

شهردار محله در هفته‌های آینده، موضوع درخواست رسیدگی به فضای سبز مجتمع پردیس و تبدیل منازل به انبار ضایعات در محدوده خیابان صابر را پیگیری خواهد کرد.

درخواست‌های مربوط به حوزه عمرانی

تسریع در اجرای پروژه بهسازی پیاده‌روهای بولوار رضوی، نصب روشنایی انتهای خیابان صابر ۴ که در مجاورت کوچه‌پارک قرار دارد، بهسازی پیاده‌روهای معابر فرعی در بولوار شهرستانی، اصلاح و بهسازی پیاده‌روهای بولوارهای کوثر و باهنر، اصلاح پله‌های ورودی معابر شهرستانی ۱۴/۳، آسفالت معابر فرعی خیابان سرفرازان ۱۳ و تعریض معبر شهید حسینی ۷ برای رفت‌وآمد خودروهای امدادی، ۷ تماس شهروندان در این حوزه بود.

درخواست‌های مربوط به حوزه خدمات شهری

درخواست رسیدگی به خانه‌هایی در خیابان‌های صابر ۱، ۲ و ۵ که به انبار ضایعات تبدیل شده است و رفت‌ووروب معبر گلدیس ۹ موضوع ۴ تماس تلفنی در این حوزه بود.

درخواست‌های مربوط به حوزه ترافیک

درخواست اصلاح هندسی ورودی خیابان فکوری ۸۵، نصب سرعت‌گیر در خیابان لادن ۲۸، راه‌اندازی ایستگاه اتوبوس در انتهای بولوار گلدیس، نصب سرعت‌گیر در انتهای خیابان بهارستان، موضوع ۴ تماس شهروندان در حوزه ترافیک بود.

درخواست‌های مربوط به حوزه شهرسازی

حوزه شهرسازی ۳ تماس داشت و شهروندان درخواست رسیدگی به ساخت‌وسازهای غیرمجاز در خیابان‌های صابر ۱، صابر ۳، دقیق ۱۲ را داشتند.

درخواست‌های مربوط به حوزه فضای سبز

نگهداری از فضای سبز مقابل خیابان شهرستانی ۹، آبیاری فضای سبز میدان آل‌شهدی، رسیدگی به فضای سبز مجتمع پردیس، ۳ درخواست اهالی در این حوزه بود.

همسایه به همسایه، دیدار بیست و ششم
کوچه امام زمان (عج) ۲

همسایه های بی دریغ مسجد چوبی

رضایاحی ادر دل محله خاتم الانبیا^(ص) همسایه هایی زندگی می کنند که عمر کنار هم بودنشان از نیم قرن هم می گذرد: نقطه اشتراک این همسایه ها حضور و نقش آفرینی در برنامه های مسجد امام محمد باقر^(ع) یا همان مسجد چوبی است که خیلی از بانوان ساکن در خیابان امام زمان^(عج) ۲ رابه یکدیگر مرتبط کرده است. در این کوچه، همسایه ها تا دلتان بخواهد از حال هم خبر دارند: اگر یکی به مسافرت برود، کلیدش رابه خانه همسایه اش می سپارد، در خانه هم روضه برگزار می کنند، آشپزی مسجد را بر عهده می گیرند و اگر همسایه ای بیمار داشته باشد، همه برای کمک پای کارند. این گزارش، روایت سه همسایه قدیمی است که از گذشته تا امروز، محله شان را تنها نگذاشته اند و هنوز هم برای اهالی باعث دلگرمی هستند.



● میوه فروشی زهرا خانم حساب دفتری دارد

وقتی بین اهالی از همسایه های قدیمی پرس و جو می کنیم، خیلی ها زهرا خانم بخشی را معرفی می کنند. او شصت سال است ساکن خیابان امام زمان ۲ است و از چهل سال پیش، دیوار به دیوار مسجد، میوه فروشی جمع و جور باز کرده است. فاطمه نورپور، یکی از همسایه های محله، درباره اش می گوید: زهرا خانم کلید دار مسجد چوبی است؛ در مسجد را برای نماز، روضه ها و کلاس های آموزشی به روی اهالی باز می کند و بعد هم خودش مسجد را نظافت می کند. میوه مراسم مسجد را به قیمت خرید می فروشد و اگر هم پخت و پزی باشد، رایگان و در راه خدا سبزی خرد می کند و به بانی مراسم هدیه می کند. یکی دیگر از همسایه های می گوید: زهرا خانم معتمد محله ماست. خیلی از افراد، مبلغی رابه او می سپارند تا برای خانواده های نیازمند، میوه بخرد. او بعد از این همه سال، دستش آمده است کدام همسایه وضع مالی خوبی دارد و کدام همسایه ندارد. خود زهرا خانم این طور برایمان حرف می زند: من از روزی که این مغازه را باز کردم، حساب دفتری دارم؛ خیلی از همسایه ها پول میوه را ماه به ماه نمی آورند ولی من اهل سخت گیری نیستم.



● آتش پشت پای معصومه خانم حرف ندارد

وقتی قرار است زهرا خانم از یک همسایه خوب برای مایگوبید، بعد از درنگی، معصومه حشمتی را معرفی می کند. از اخلاق خوبش که بگذریم، برای مسجد محله هرکاری از دستش بر بیاید انجام می دهد. زهرا خانم تعریف می کند: آشپزی مراسمی که در مسجد چوبی برگزار می شود، با معصومه خانم است، مانند ۱۰ شب اول ماه محرم. آشپزخانه مسجد ما خیلی کوچک است؛ وقتی اجاق گاز ها هم روشن باشد، داخل آشپزخانه خیلی گرم می شود، اما زهرا خانم خم به ابرو نمی آورد. علاوه بر این او استاد پخت آتش پشت پاست. هر کدام از همسایه ها نذری داشته باشند، او برایشان رایگان آشپزی می کند. معصومه خانم امین همسایه هاست؛ هر کدام از اهالی که قصد مسافرت می کنند، کلید خانه اش رابه او می سپارد تا در نبودش هم سری به خانه بزنند و هم گل و گیاهان را آبیاری کنند. معصومه خانم هفت جاری دارد که برای همه شان خواهری می کند و بیشتر آن ها همسایه اش هستند. بچه ها پاشان رانگه می دارد و در خانه اش دورهمی می گیرد. خودش می گوید: همسایه داری همین است؛ خوبی کنی، خوبی می بینی. اگر برای کسی قدم خیری برداری، بقیه هم در کار و مشکلات کنار شما هستند.

● دوخت رایگان لباس عروس

مریم خلعتیری از شصت سال پیش در این محله زندگی می کند و از همسایه های دست به خیر کوچه امام زمان ۲ به حساب می آید. در همه این سال ها یکشنبه همراه روضه می گیرد و به همین بهانه همسایه ها را دور هم جمع می کند. معصومه خانم درباره اش می گوید: در گذشته که تعداد مهمان ها کم بود، مریم خانم، روضه را در خانه اش برپا می کرد ولی حالا همراه دو بیست نفر مهمان دارد و سفره اش را در مسجد برپا می کند. سفره آرای و پذیرایی هم با خودش است؛ البته من هم کمکش می کنم، مثل او که بعضی سال ها در آشپزی دهه اول محرم کمک دست من است. مریم خانم می گوید: از وقتی خدا به من فرزندی داد، علاوه بر روضه های همراهه، شب های احیا هم مراسم برگزار می کنم تا هم شکر نعمتش باشد و هم اهالی بیشتر در دورهمی های مذهبی حضور داشته باشند. مریم خانم استاد خیاطی است و هنرش رابه خیلی از دختران محله رایگان آموزش داده است. لباس عروس، چادر مکه ای و لباس جشن تکلیف از جمله سفارش های است که مریم خانم برای دوخت و دوز آن ها پولی دریافت نمی کند.



استقبال مردم از دوره های دوام ثامن

باتقاضای امور مساجد و بسیج، دوره های آموزشی مدیریت بحران و آموزش کمک های اولیه، طی چهار ماه گذشته با شرکت سیصد نفر در منطقه ۱۰ برگزار شد. همچنین در این مدت، ۱۰ جلسه بحران در جنگ با توجه به شرایط جنگی پیش آمده و یک دوره مقدماتی چهار جلسه ای نیز برگزار شده است. این دوره ها در مساجد از قبیل باقر العلوم^(ع)، صاحب الزمان^(عج)، امام حسن مجتبی^(ع)، موسی بن جعفر^(ع) و حضرت عباس^(ع) برپا شده است.



کارگاه آموزشی مقابله با سalk این بار برای کودکان

نمایشگاه آموزشی پیشگیری از سalk و پشه آندس به منظور اطلاع رسانی و فرهنگ سازی شهروندی با شعار «محیط سالم، پشه کمتر، سalk کمتر» به مدت دو روز در بوستان های نیلوفر آبی و قاصدک برپا شد. این کارگاه ها به صورت مجزا در دو بخش بزرگ سالن و کودکان طراحی شده بود که در بخش کودکان با بازی، آموزش های لازم و اهدای جوایز همراه بود.

رودر رو با مردم

جلسه دیدار مردمی شهردار منطقه ۱۰ در سالن جلسات شهرداری برگزار شد. در این دیدار، شهروندان مسائل و دغدغه های خود را با وحید برجسته نژاد، شهردار منطقه ۱۰، در میان گذاشتند و اضمن شنیدن درخواست شهروندان، دستورات لازم برای رسیدگی به مطالبات را صادر کرد. گفتنی است این جلسات با هدف تقویت ارتباط مستقیم با مردم و تسریع در رسیدگی به مطالبات شهروندان به صورت مستمر هر هفته در منطقه ۱۰ برگزار می شود.

ریاحی اشره دار منطقه ۱۰ از بهره گیری ۲۷۰ هزار نفر ساعت شهروندان از مجموعه های ورزشی سرپوشیده این منطقه طی چهار ماه گذشته خبر داد.

وحید برجسته نژاد با بیان این خبر گفت: مجموعه های ورزشی مجهز و مدرن در منطقه ۱۰ فعال هستند که از جمله آن ها می توان به مجموعه ورزشی شهدای باغبان و شهدای پاکبان و میثاق اشاره کرد. از ابتدای اردیبهشت امسال ۲۷۰ هزار نفر ساعت شهروندان از مجموعه های ورزشی سرپوشیده این منطقه استفاده کرده اند که در میان آن ها بازی های تویی و غیر تویی نظیر فوتسال، والیبال، بسکتبال، بد مینتون، رشته های رزمی، کشتی، کاراته و ووشو با استقبال زیاد شهروندان روبه رو شده اند. به گفته برجسته نژاد، علاوه بر مجموعه های ورزشی سرپوشیده، ۲۸ مجموعه ورزشی روباز آسفالت نیز در منطقه فعال است که به صورت رایگان و برای خدمت رسانی هر چه بهتر به شهروندان و بهره گیری از سرانه ورزشی این منطقه دایر شده است.

شهردار منطقه ۱۰ در پایان تصریح کرد: مادر منطقه ۱۰ مجموعه ورزشی چمن مصنوعی فدک را داریم که در اختیار شهروندان قرار دارد. در ماه آینده دو چمن مصنوعی دیگر نیز به بهره برداری می رسد تا علاقه مندان با پرداخت هزینه مصوب از امکانات آنجا هم استفاده کنند.



شهردار منطقه ۱۰ از استقبال شهروندان از مجموعه های ورزشی این منطقه خبر داد

جان گرفتن

ورزش

در قاسم آباد



روایت‌هایی شنیدنی از اهالی منطقه ۹ و ۱۰
که امسال توفیق حضور در پیاده‌روی اربعین را نداشتند

قدم به قدم با جاماندگان

فهمیه شهری باید خاک و غبار کربلا روی سرتن و لباس‌ت نشسته باشد تا بدانی غبار آلود بودن خیلی هم خوب است. خاک کربلا کنار همه غم‌هایش، سبکت می‌کند؛ به پاهایت جان می‌دهد. عاشقانه قدم‌های بعدی را برداری.

باید طعم چای عراقی را چشیده باشی تا بدانی گاهی چای تلخ و سیاه دل چسب‌تر است. گرما و طاقت فرسا باشد، در کربلا تحملش سخت نیست. در دمای ۵۰ درجه و بالاتر، روزی چندین بار پیاده‌روی می‌کنی و باز دوست داری بروی و بروی. گاهی صدای نوحه‌های موکب‌ها چنان تورا غم عشق حسین^(ع) می‌کند که قدم‌هایت را تندتر برمی‌داری. گاهی هم در دل و قلبت چنان مشغول با حسین^(ع) و خدایش می‌شوی که سروصدای هیچ موکبی را نمی‌شنوی.

همین‌هاست که رفتگان این راه را هر روز عاشق‌تر می‌کنند. یک بار بروی، دوست داری دوباره و سه و ده بار بروی. و وای از آن روز که یک بار پیاده‌روی اربعین را رفته باشی و سال‌های بعد جابجانی جاماندگی دردی دارد که جگرت را می‌سوزاند.

آن‌هایی که هر سال اربعین را می‌سفر می‌شوند تا پای پیاده‌روی خود را به نجف اشرف و بین‌النهرین برسانند، این روزها حال و هوای دیگری دارند. اگر آنجا باشند که خوش به حالشان اما اگر از جامانده و نتوانسته باشند بروند، اشک و حسرت همدم لحظه‌هایشان است. بین هم‌محله‌ای مادر منطقه ۹ و ۱۰ هم کم نیستند کسانی که مثل سال‌های قبل الان در سفر عشق هستند یا آن که به دلیلی جامانده‌اند و دارند خاطراتشان را مرور می‌کنند.

لذت آشپزی در موکب‌ها

زینب خانم قوی اندام در آستانه هفتادسالگی قرار دارد. در مسجد الغدير محله ایثارگران، همه او را بادست پخت خوش می‌شناسند. حدود پانزده سال است که زینب خانم آشپزی مسجد در مناسبت‌های مختلف ماه رمضان، محرم و صفر و... را رایگان انجام می‌دهد. او تعریف می‌کند: نمی‌دانم دقیق کی بود اما چند سال پیش، یک نفر به من گفت حاضری برای آشپزی موکب به کربلا بیاپی؟ من هم از خدا خواستم و رفتم.

از آن موقع زینب خانم هر سال آشپزی موکبی در کربلا بوده است. او آشپز موکب امام رضا^(ع) در مشهد نیز هست. به گفته خودش هر سال از کربلا که برمی‌گشته به موکب امام رضا^(ع) می‌رفته و آنجا خدمت می‌کرده است.

او ادامه می‌دهد: امسال در آشپزی دهه‌های محرم و صفر برای هیئت و مسجد خیلی خسته شدم. گفتم نمی‌توانم به کربلا هم بروم. ثبت نام نکردم اما حالا پشیمانم. بغض گلوئی زینب خانم را می‌گیرد و می‌گوید: نمی‌دانم چطور خودم را به کربلا می‌برسانم. دلم آنجا است. مدام با خودم می‌گویم کاش می‌رفتم.

زینب خانم شروع می‌کند به تعریف کردن از عراقی‌ها؛ فضای بزرگ و خوبی در اختیارمان گذاشته بودند. همه وسایل و خوراکی‌ها را هم می‌آوردند. هر سال من اینجاسبزی خشک می‌کردم برای قورمه‌سبزی می‌بردم؛ امسال همان را هم گفته بودند نیاورید.

او ادامه می‌دهد: باینکه ما کنار دیگ بودیم و صبحانه، ناهار و شام را داشتیم، باز هم عراقی‌ها برایمان غذایی آوردند. میان وعده ساندویچ کباب، حلوا، کاجی و... می‌آوردند و شب‌ها ما را به مراسم روضه خودشان دعوت می‌کردند.

دوباره بغض گلوئی زینب خانم را می‌گیرد و در حالی که اشک روی گونه‌هایش جاری شده است، ادامه می‌دهد: آن‌ها به سبک خودشان عزاداری می‌کردند و ما هم سعی می‌کردیم همان کارها را انجام دهیم. وقتی هم ما ایرانی‌ها عزاداری داشتیم، باز عراقی‌ها با ما همراه می‌شدند. این لطف و صفاها همه‌اش از برکت امام حسین^(ع) است. کاش می‌رفتم.



عرض ارادت به علی بن موسی الرضا^(ع) در مسیر رسیدن الشهدا^(ع)

حسین و ثوقی از ساکنان محله هنرستان است که کنار شغل آزاد، به قول خودش افتتاح خادمی حرم امام رضا^(ع) را نیز دارد. او با ۵۵ سال سن، از سفرش برای پیاده‌روی اربعین به عنوان یکی از بهترین خاطرات زندگی‌اش یاد می‌کند و می‌گوید: خاطرات و تجربه‌های مختلفی در سفر پیاده‌روی اربعین دارم اما آن دفعه که به خاطر خادمی حرم، اسمم در فهرست خادمان اعزامی به این سفر به عنوان حاملان پرچم حرم رضوی به کربلا درآمد، از همه سفرها برایم متفاوت‌تر بود.

و ثوقی تعریف می‌کند: اطلاع‌رسانی رسمی درباره حرکت خادمان به سمت کربلا نشده بود اما مساجد و هیئتی‌های شهرهای مختلف که از این سفر مطلع شده بودند، حین مسیر جلومار می‌گرفتند و اصرار می‌کردند که به مساجد و خانه‌هایشان برویم. برای همین حدود سه روز طول کشید که ما از مشهد به مرز عراق رسیدیم.

آن‌ها در کربلا بیست و چهار ساعته موکب راه می‌اندازند و پرچم حرم رضوی را بالای آن نصب می‌کنند. و ثوقی می‌گوید: زائران پیاده‌همن که به مقابل موکب ما می‌رسیدند و پرچم را می‌شناختند، توقف می‌کردند و انگار که گنبد و بارگاه حرم رضوی برایشان نداعی شده باشد، سلام می‌دادند و عرض ارادت می‌کردند. حتی بعضی‌ها جا رو می‌گرفتند و می‌گفتند می‌خواهیم به نیت حرم رضوی اینجا جا رو بزنیم.

به گفته این خادم آستان قدس رضوی، گریه‌های مردم در مقابل پرچم رضوی و حال و هوای معنوی‌شان، قابل‌لنز دوربین عکاسان بوده است و صدها عکس از این تصاویر گرفته‌اند. او می‌گوید: امسال که نرفتم، دلم پرمی‌کشد برای آنجا. هر وقت بی‌تاب می‌شوم، می‌روم حرم امام رضا^(ع) و به یاد آن زمان خدمت می‌کنم.





یک حس مشترک، عشق به امام حسین^(ع)

سید هاشم هاشمی از ساکنان محله دلاوران است. سال گذشته همراه هلال احمر و به عنوان نیروی امداد و درمان بین زائران پیاده اربعین حضور داشته است.

اومی گوید: بیست روز آنجا بودم اما ذره ای احساس غریبی و دل‌تنگی نکردم. مواقعی می‌شد که سه شیفت بیدار بودم اما اصلاً خستگی اهمیتی نداشت. با وجود حضور افراد مختلف، یکدستی و همدلی خاصی وجود داشت. ایرانی، عراقی، پاکستانی، هندی، کرد، لر، ترک، شیعه، سنی، فقیر، غنی، مهندس، پزشک همه یکسان بودند. آدم هیچ تفاوت طبقاتی ای احساس نمی‌کرد. همه یک حس مشترک داشتند و آن عشق و ارادت به امام حسین^(ع) بود. همین حس آن‌ها را زیر یک پرچم حفظ کرده بود

و این به نظرم خیلی زیبا و قابل تأمل بود. او ادامه می‌دهد: در مسیر که بودیم، دیدیم یازده نفر سرگردان و بایای پیاده، مسیر فرعی را می‌روند. وقتی پرسیدیم گفتند راه را گم کرده‌اند. اتوبوسشان اشتباهی آن‌ها را جای دیگری پیاده کرده بود. جای خالی زیادی نداشتیم اما هر طور بود، سوارشان کردیم. همه زائر امام حسین^(ع) بودیم و جاتنگی و کمبود ماشین معنا نداشت.

در قسمتی دیگر از مسیر آن‌ها با زائرانی از استان گلستان مواجه می‌شوند که خودروشان خراب شده بود. آن‌ها را برایشان بکسل می‌کنند و به تعمیرگاه می‌رسانند. تعمیرکار هم چون ماشین زوار امام حسین^(ع) بوده، رایگان تعمیرش می‌کند.

هاشمی می‌گوید: گمانم همین همدلی هاست که سختی‌های سفر اربعین را دل‌نشین و خاطره‌انگیز می‌کند.

او تعریف می‌کند: در پیاده روی اربعین، تعدادی از معلولان جسمی و ذهنی آسایشگاه فیاض بخش را آورده بودند و ما با آمبولانس پشت سرشان مستقر بودیم. وقتی این معلولان، حرم امام حسین^(ع) و حضرت ابوالفضل^(ع) را دیدند، چنان اشکی از گونه‌شان جاری شد که همه ما را منقلب کرد. با خودم می‌گفتم امام حسین^(ع) چه شکوه و عظمتی دارد که یک معلول ذهنی هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد و برایش اشک می‌ریزد.



حس صمیمیت و راحتی دارد.

رحمانی وقتی برای خرید سوغاتی رفته بود، بعضی از فروشندگان عراقی در قبال خرید یک قلم، یک کالای دیگر هم به او هدیه می‌دادند تا از این طریق از حضورش در مراسم اربعین و کمک به نظافت آن تشکر کنند.

اومی گوید: امسال که همکارانم داشتند می‌رفتند، بغض‌گلویم را گرفته بود. الان هم همه حواسم آنجاست. با آن‌هایی که رفته‌اند، در تماسم و دائم می‌گویم برایشان عکس و فیلم بفرستند و دعاگویمان باشند.

افتخار جارو زدن زیر پای زائر امام حسین^(ع)

مرتضی رحمانی پاکبان باصفای محله فرهنگیان است که سال گذشته عازم عراق شد. اینجا سرکارگر است اما دوست داشته به زائر امام حسین^(ع) نیز خدمت کند؛ برای همین داوطلبانه خودش را برای سفر اربعین معرفی کرد. وقتی در قرعه‌کشی، از بین متقاضیان اسمش درآمد، لباس پاکبانی‌اش را برداشت و با خودش گفت حالا که امام حسین^(ع) طلبیده، باید سنگ تمام بگذارم.

به گفته خودش پانزده روز آنجا بوده اما اصلاً احساس خستگی و غربت نمی‌کرده و دوست نداشته برگردد. او تعریف می‌کند: مردم آنجا اعم از ایرانی و عراقی خیلی قدر دان ما بودند. بعضی‌ها جارو را از من می‌گرفتند و می‌گفتند ما هم دوست داریم زیر پای زائر امام حسین^(ع) را جارو بزنیم. بعضی‌ها پلاستیک برمی‌داشتند و زباله‌ها را جمع می‌کردند. بعضی‌ها زمامی خواستند با آن‌ها عکس یادگاری بگیریم. او ادامه می‌دهد: وقتی بالباس فرم و حین انجام وظیفه بودیم، جایگاه ویژه‌ای داشتیم. اگر راه بسته بود، سریع برایمان باز می‌کردند. موبک‌داران از غذا و نذری‌هایشان برایمان کناری گذاشتند و بدون صف به ما می‌دادند. خلاصه اینکه همه جوهره‌هایمان را داشتند.

رحمانی تأکید می‌کند: مردم خوبی داریم؛ اینجا هم قدر دان ما هستند. در کشور دیگر، آدم اولش فکر می‌کند شاید تنها بماند و احساس غریبی کند اما وقتی می‌روی، می‌بینی اصلاً این طور نیست. این قدر ایرانی و عراقی با هم خوب هستند که آدم نه تنها احساس غربت نمی‌کند، بلکه خیلی هم

مردم در خرابی ماشین کمک‌دستان می‌شوند

محمد هاجری، راننده اتوبوس و از ساکنان محله فرهنگیان است که دو سال دیگر باز نشسته می‌شود. از سال ۹۴ تا کنون، البته به جز دوران محدودیت‌های کرونایی، هر سال جزو نیروهایی بوده است که راهی مرز می‌شود تا در آنجا زائران را با اتوبوس‌های شرکت واحد جابه‌جا کند. خودش را خدمتگزار کوچک ابا عبد...^(ع) می‌داند و می‌گوید: وقتی عازم آنجایم می‌شویم، سه شیفت هشت ساعته داریم اما خیلی وقت‌ها پیش می‌آید که می‌بینم مرز شلوغ شده و جمعیت زیاد است و در زمان استراحتم دوباره وارد خط می‌شوم تا زائران را جابه‌جا کنم.

او تعریف می‌کند: دمای آنجا بالای ۵۰ درجه است. در همین هوای بینیم افراد مسن، معلول، یا بچه‌های کوچک چند ماهه حضور دارند. به نظر من، فقط عشق به امام حسین^(ع) است که این‌ها را نگه می‌دارد. وگرنه اگر در همین مشهد، دمای هوا این قدر باشد، خیلی از این افراد تحمل ندارند و نمی‌توانند دوام بیاورند.

به گفته هاجری، از آنجایی که در محل رفت و آمد اتوبوس‌ران‌ها آن چنان موبک نیست و امکانات غذایی و آشامیدنی کمتری دارند، محبت مردم بیش از همیشه، خودش را نشان می‌دهد و با اهدای خوراکی‌های خود به اتوبوس‌ران‌ها از آن‌ها قدر دانی می‌کنند. اومی گوید: مردم در اینجا هم که هستند خیلی به مالطف دارند اما آنجا محبتشان بیشتر می‌شود و به نظر من خوی ایرانی بودن، بیشتر از هر وقتی آنجا خودش را نشان می‌دهد



که مردم همه جوهره به یکدیگر کمک می‌کنند.

این هم محلی تعریف می‌کند: وقتی اتوبوس خراب یا پنچر شود، ما به نیروهای امداد خودمان زنگ می‌زنیم تا بیایند اما در این فاصله مردم دست به کمک می‌شوند و در آن گرما که لوله‌های ماشین عین آتش داغ است، در چک‌زدن و بازویسته کردن لاستیک ماشین و... همراهی می‌کنند تا زودتر کار انجام شود و نیروهای ما و سایر مردم کمتر اذیت شوند. به گفته او، مسافران اربعین وقتی متوجه می‌شوند راننده اتوبوس از شهر امام رضا^(ع) است، ارادتشان بیشتر می‌شود و بارها از او می‌خواهند وقتی به پابوسی آقا می‌رود، برای آن‌ها هم دعا کنند.

گاهی
هد تا
فر قدر
ساعت
برق در
نجوا
به باره
این
نرمین
قافله
های
های

همراه با خدمتگزاران موکب بیمارستان اکبر که محلی برای آغاز معجزه هاست

رویش امید از دل رنج



شاهیان جایی که هر روز قصه‌هایی از رنج و نگرانی برای سلامتی کودکان به گلوئی پدر و مادر هافشار می‌آورد. موکبی برپا شده است که عطر چای و خنکی شربت‌ش حساسی به دل آن‌ها می‌نشیند. اینجا در بیمارستان کودکان اکبر، یک موکب برای عزاداری محرم برپا شده که پناهگاهی برای دل‌های شکسته همراهان بیمار نیز است؛ جایی که خادمان حضرت رضا^(ع) در کنار کارکنان بخش آزمایشگاه بیمارستان با همدلی، مرمی بر زخم‌های پنهان می‌گذارند. کمی جلوتر از ورودی بیمارستان و پیش از ورود به مسیری که تا بلوار ژانسی، همراهان بیمار را هدایت می‌کند. این موکب کوچک خودنمایی می‌کند که گرمایش بیش از اینکه از شعله سماورهایش باشد، از اخلاص دل‌های خدمتگزارانش سرچشمه می‌گیرد. برنامه اینجا، هر غروب به این ترتیب است: یذیریایی یا چای و شربت، برگزاری نماز جماعت و قرائت زیارت عاشورا و در نهایت هم سفره شام پهن می‌شود.

● یک اقدام پنج‌ساله

جرعه راه اندازی این موکب، حدود پنج سال پیش با تلاش بنیاد کرامت رضوی در بیمارستان امام رضا^(ع) زده شد. محمدرضایی، از خدمتگزاران کشیک هفتم مهمان سرای غدیر، می‌گوید: سال ۱۳۹۹ بود که بنیاد کرامت رضوی داخل بیمارستان امام رضا^(ع)، مقابل بخش کرونوموکی زد. مابه عنوان خادم انجامی رفتم و واقعا جلوه‌هایی تأثیرگذار از حضور و اشتیاق مردم را دیدیم. سال بعد با اینکه از سوی حرم اعلام شد دیگر موکبی برپا نمی‌شود، همان دوستان آمدند و با توجه به باز خورد های خوبی که گرفتند، مشتاق شدند کار را ادامه بدهند.

● ثبت هیئت خدمتگزاران حضرت رضا(ع)

سید مرتضی اخلاقی، کارشناس آزمایشگاه بیمارستان کودکان اکبر و یکی از افراد ثابت ایستگاه صلواتی هر سال است. او می‌گوید: بعد از موکب بیمارستان امام رضا^(ع)، سه سال پیش، ۱۰ روز در ورودی محوطه بیمارستان اکبر ایستگاه صلواتی زدند و بعد جمع شد. بعد از آن به خادمان گفتیم چرا باید جمع کنید؛ اینجا خانواده‌هایی هستند که به خاطر بیماری فرزندشان نمی‌توانند به هیئت بروند. این خیمه برایشان مثل یک حسینیّه کوچک است؛ جایی که اشک می‌ریزند، دلشان را سبک می‌کنند و بعد هم شام ساده‌ای می‌خورند.

اخلاقی با اشاره به زمان تولد فرزندش و اهمیت ایستگاه صلواتی بیان می‌کند: وقتی فرزندم به دنیا آمد، به دلیل حضور در بیمارستان نمی‌توانستم به هیئت بروم. خانواده‌های بیماران اینجا نیز همین کمبود را دارند. به دلیل اینکه عزیزشان در اینجا بستری است، نمی‌توانند در این شب‌های محرم در روضه یا هیئتی شرکت کنند. ولی موکب جمع و جور اینجا جایی است که می‌توانند خودشان را سبک کنند. این کارمند بیمارستان اکبر یادآوری می‌کند: پارسال وقتی که خواستند

خیمه را برپا کنند، پیگیری کردیم که مجوزش هم ثبت شود. با پیگیری و موافقت، هیئت خدمتگزاران حضرت رضا^(ع) ثبت شد و از پارسال دو ماه محرم و صفر را کامل اینجا عزاداری می‌کنیم.

● خیمه بیمارستان و حکایت‌های کرامت

ناصر نویدی، از خادمان مهمان سرای غدیر، می‌گوید: به این موکب کوچک نگاه نکنید. هر شب که اینجا برای خدمت حاضر می‌شوم، می‌بینم همراهان بیمار روی سکوها بین باغچه‌هایی نشینند و از آنجا سیم ارتباطشان را وصل می‌کنند. متوسل می‌شوند و حاجت می‌گیرند.

در این خیمه، قصه‌های شفا و حاجت گرفتن کم نیست؛ از مسافری که از تربت حیدریه آمده بود و بعد از سفری پُر از خستگی بایک لیوان شربت انرژی گرفت تا پدری که سال گذشته در همین خیمه، دعایش مستجاب شد و امسال سه شب پیایی بانی شام شد. نویدی توضیح می‌دهد: آقای محمدزاده پارسال بچه‌اش در بیمارستان بستری بود و می‌گفت شفای فرزندش را با توسل در این موکب گرفته است. برای همین امسال نذر کرده بود به مناسبت شهادت حضرت رقیه^(س) سه شب بانی شام شود و این کار را هم انجام داد یا همراه بیماری که فرزندش در کما بود، روز بعد، با چهل کیلو شیر و شکر و کاتو آمد تا میان همراهان بیمار توزیع کند.

● خادمی از کر بلا تا کنار بیمارستان

کمی پس از قرائت زیارت عاشورا، مادری خسته، همراه کودکش که لباس بیمارستان بر تن دارد، به سمت موکب می‌آید و یک ظرف عدسی بایک کف دست نان می‌گیرد. پسرک نایی ندارد و به زور راه می‌رود. از مادرش می‌خواهیم با ما هم کلام شود، ولی می‌گوید: حالم را که می‌بینید؛ اینجا

نیاز به شنیدن ندارد.

سید احمد حسینی، از ستاد بازسازی عتبات خراسان رضوی، می‌گوید: از اول محرم تا آخر صفر، اینجا کنار بیماران و خانواده‌هایشان هستیم. همه خادمان با عشق خدمت می‌کنند. همین روحیه باعث می‌شود مردم هم استقبال کنند، در نماز جماعت حاضر شوند و حتی نذورات خود را همین جا ادا کنند.

● لحظه‌هایی که اشک، نذر می‌شود

محمدرضایی، از خدمتگزاران کشیک هفتم، تاکنون شاهد صحنه‌هایی بوده است که با کلمات نمی‌تواند کامل توصیف کند: «سال گذشته یکی از همراهان بیمار را می‌دیدم که هر شب می‌آمد و پشت یکی از پرچم‌های مذهبی موکب می‌ایستاد و بی صدا گریه می‌کرد. چند شب بعد، با خبر سلامتی نوه‌اش آمد. شکر آورد و همان جادو یاره ایستاد و اشک ریخت. همان حس و حال را داشت و درکش برایم دشوار بود.» او باور دارد که بسیاری از حاجت‌ها در اینجا روا می‌شود. حتی اگر صاحبانش متوجه ارتباط آن با این مکان نشوند. بعضی‌ها شفا را می‌بینند و بعضی‌ها شاید متوجه نشوند. بسیاری از مراجع‌کنندگان نذورات خود را برای سلامتی بیماران تقدیم می‌کنند و این موکب، شاهد معجزات بسیاری بوده است.

رضایی می‌گوید: این خیمه حالا فقط محل خدمت کشیک هفتم نیست. کارکنان بیمارستان، خادمان ستاد بازسازی عتبات عالیات و مردم نیکوکار هم پای کار آمده‌اند. همه دوستان قصد دارند سال آینده، موکبی بزرگ‌تر، با امکانات بیشتر و خدمات وسیع‌تر برپا کنند تا دل‌های بیشتری به این پناه امن راه پیدا کنند. این موکب، دل‌خوشی است برای همراهان کودکان بیمار و به واسطه آن در کنار دارو، محبت و امید هم تجویز می‌شود.



فرهنگ سرای خانواده چهارشنبه هرهفته، برنامه رفت و برگشت به حرم مطهر رضوی را برای اهالی قاسم آباد اجرا می کند

لذت زیارت دسته جمعی

هستند. امیرحسین به ما می گوید: چند وقت پیش، قبل از اینکه مدرسه ها تمام شود، برای ما اردو گذاشتند و بچه ها را به حرم بردند. من و همه هم کلاسی هابیم در این اردوی زیارتی حضور داشتیم و خیلی به ما خوش گذشت. امیرحسین می گوید: چند ماهی بود که به حرم نرفته بودم و خیلی خوشحالم که زیارت امروز نصیب من هم شد.

● تقویت پیوند خانواده ها

اهالی کم کم سوار اتوبوس می شوند؛ از پخش ماشین، صدای دعای سلامتی امام زمان (عج) و فرج طنین می اندازد. توسل ها و مناجات ها شروع می شود. هرکدام زیر لب گاهی دعا را زمزمه می کنند و گاهی حاجت هایشان را به زبان می آورند. مدیرفرهنگ سرای خانواده که برای بدرقه زائران در جمع حاضر شده است، می گوید: این برنامه معنوی در راستای تقویت پیوند های فرهنگی و دینی میان خانواده ها و اهل بیت (ع) برگزار می شود و هدف آن، فراهم آوردن فرصتی برای حضور صمیمی و الهام بخش در فضای روح بخش حرم مطهر رضوی است. در این برنامه، شرکت کنندگان ضمن بهره مندی از برکات معنوی زیارت، لحظاتی آرام و معنوی را در کنار یکدیگر تجربه می کنند. به گفته علی عباسی، این برنامه معنوی، هرهفته روز چهارشنبه برگزار است؛ اگر می خواهید جزو کاروان زائران امام رضا (ع) باشید، کافی است نام و نام خانوادگی خود را به پیش شماره ۰۹۶۴۰۰۱۳۰۰ ارسال کنید.

و می گوید: خدا اعظم خانم را خبر بدهد؛ هم ثبت نامم کرد و هم امروز آمده است که مراقب من باشد، وگرنه خودش هفته پیش حرم بوده است. اعظم خانم هم ادامه صحبت های معصومه خانم را می گیرد و می گوید: من خیلی دوست دارم با افرادی که توان حرم رفتن ندارند، همراه شوم و کمکشان کنم. حس خیلی خوبی دارد، انگار زیارت در کنار آن ها بیشتر به دل و جان آدم می چسبد.

● زیارت مادر و پسری

چند مادر و پسر هم بین زائران هستند؛ پسر بچه هایی که روز چهارشنبه را بی خیال بازیگوشی های روزمره شده اند و با مادرشان به زیارت امام رضا (ع) می روند. امیرحسین نه ساله، برادرش امیرمحمد شش ساله و مادرشان هم جزو زائران

رضاریاحی اقرارمان ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه است. مقابل فرهنگ سرای خانواده، جمعیت زیادی از بانوان و بچه ها ایستاده اند و منتظر تشریف به حرم مطهر رضوی هستند. یک دستگاه اتوبوس منتظر اهالی است تا آن ها را به حرم رضوی برساند. سه نفر از کارکنان فرهنگ سرای هم حضور دارند تا مراقب زائران سن و سال دارتر باشند. اهالی که برخی شان از همسایه های فرهنگ سرای هستند، بعد از سلام و احوالپرسی سوار اتوبوس می شوند تا گشت وگذار معنوی نیم روزه خود را آغاز کنند. خیلی از زائران به دلیل کپهولت سن مدت هاست که گنبد و گلدسته حرم را ندیده اند اما حالا فرهنگ سرای خانواده بانی خیر شده و مقدمات تشریف آن ها را فراهم کرده است.

● زیارت با سالمندان بیشتر می چسبد

یکی از زائران کاروان زیارتی فرهنگ سرای خانواده معصومه خانم افخمی است. با انرژی یک جوان پرانگیزه، سلام و صبح به خیر می گوید. سنش را که می پرسیم، می گوید: ۷۵. بی آنکه سؤال دیگری بپرسیم، سر درد دلش باز می شود: «یک سال بیشتر بود که گلدسته امام رضا (ع) را ندیده بودم. خدا خیرشان بدهد. اجرشان با امام حسین (ع). دوسه بار خواستم به پسرانم بگویم که من را به حرم ببرند اما هرکدامشان یک گوشه شهر گرفتارند و من هم توقعی از آن ها ندارم.»

رو می کند به همسایه دیوار به دیوارش



رضا گنبدی، در مسابقات استانی صحیفه سجادیه و مشاعره، اول شده است

یک نوجوان و سه ضلع موفقیت



● از کی به مشاعره علاقه پیدا کردی؟

از کودکی اشعار حافظ و سعدی و نظامی را می خواندم و حفظ می کردم. از وقتی هم گوشی تلفن همراه دارم، نسخه صوتی دیوان حافظ و سعدی و مولوی را روی آن ریخته ام و هروقت بیکار می شوم، این اشعار را گوش می کنم. همین موضوع باعث شد این اشعار را حفظ شوم و به مشاعره علاقه پیدا کنم.

● در بخش مشاعره چه مقام هایی کسب کرده ای؟

هم در ناحیه ۶ و هم در سطح استانی مقام اول را به دست آوردم.

● تا حالا شده از مفاهیم زندگی امام سجاده (ع) برای انتخاب ابیات الهام بگیری؟

بله، شعری از رضا اسماعیلی که به نظم چکیده ای از زندگی امام سجاده (ع) است، در یکی از مشاعره ها خیلی اتفاقی به ذهنم آمد و خواندم. بعد از آن واقعه سرخ، بلا سهم توشد/ پیکر سوخته کرب و بلا سهم توشد// بعد از آن واقعه، هفتاد و دو آینه شکست/ ناگهان، داغ دل آینه ها سهم توشد.

● وقتی دلت گرفته کدام شعر حالت را خوب می کند؟

این غزل سعدی را خیلی دوست دارم که می گوید از در درآمدی و من از خود به در شدم/ گفتمی کز این جهان به جهان دگر شدم.

«خدا یا به لطف خود نیتم را کامل کن و یقینم را به آنچه نزد توست، اصلاح فرما و آنچه از من تباه شده است را به قدر خودت اصلاح کن.» این دعا سر لوحه و سرمشق من در زندگی است.

● به نظرت چطور همه می توانند از مفاهیم این کتاب بهره مند شوند؟

من دوست داشتم با شخصیت امام سجاده (ع) آشنا بشوم؛ برای همین کتب تفسیر صحیفه سجادیه را هم می خواندم. همه دعا های امام سجاده (ع) در این کتاب، تفسیر روان فارسی دارد، مثل کتب استاد جواد محدثی، شیخ حسین انصاریان و آیت... مکارم شیرازی که فهم کتاب صحیفه سجادیه را خیلی راحت تر کرده است.



رضاریاحی ادانش آموز دبیرستان فرهنگ دهخدا و ساکن محله ولیعصر (عج) است، در مسابقات استانی صحیفه سجادیه و مشاعره اول شده و خودش را برای مسابقات کشوری صحیفه سجادیه در شهر یور امسال آماده می کند.

رضا گنبدی برای خودش یک مثلث موفقیت ترسیم کرده که اضلاعش، بندگی خدا، احترام به والدین و پشتکار در رسیدن به آرزوهاست؛ راهی که برای او نه تنها موفقیت بلکه آرامش را نیز به همراه داشته است.

● چه شد که با صحیفه سجادیه آشنا شدی؟

من در کودکی مدارک روخوانی و روان خوانی قرآن را کسب کردم. وقتی به مدرسه فرهنگ دهخدا آمدم، به پژوهش های دینی علاقه مند شدم و مطالعه زندگی امام سجاده (ع) را شروع کردم. یکی از کتاب هایی که خواندم، کتاب صحیفه سجادیه بود که مجموعه ای از دعا ها و مناجات ایشان است. در اولین گام، فراز نخست از دعای بیستم این کتاب را حفظ کردم و در مسابقات ناحیه شش، مقام اول را به دست آوردم و بعد هم مقام اول استانی را کسب کردم.

● بزرگ ترین درسی که از این کتاب آموختی، چه بود؟

همین بخش اول دعای بیستم که می فرماید:



برای پیوستن به کانال شهرآرامحله منطقه ۹ و ۱۰ در تلگرام کلیک کنید

۱۰

رازی، استادیوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، اینارگران، امام‌هادی (ع)، خاتم‌الانبیاء (ص)، میناق

محلات منطقه‌ها

۹ نوفل‌لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیروهای، آب‌ویرق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گل‌دیس، ولی‌عصر (عج)



فروشگاه «شهرما» از هفت سال پیش در ابتدای خیابان شریعتی ۵۸ قرار دارد و یکی از مراکز خرید مهم محله فرهنگیان به حساب می‌آید.



مجمع مسکونی ۲۸۸ واحدی فجر ۵ یکی از سازه‌های مسکونی مجلل قاسم‌آباد است که سه سال پیش در شریعتی ۵۸ بنا شده و مساحت واحدهای آن از ۹۰ تا ۱۲۰ مترمربع متفاوت است.

کوچه «فجری» ها

رضاریاحی شریعتی ۵۸ یکی از معابر محله فرهنگیان به شمار می‌رود که از سال ۱۳۶۵ به محدوده شهری اضافه شده است. شاخصه این معبر، وجود مجتمع‌های مسکونی فجر است که از سی سال پیش به کوشش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در این خیابان بنا شده و تاکنون به مجتمع مسکونی فجر رسیده است. در این معبر انواع کاربری‌های آموزشی، فضای سبز و تجاری فعالیت می‌کنند. با این حال، به دلیل داشتن بوستان‌های متعدد محلی، کاربری فضای سبز دست بالا را دارد.



زمین‌های ره‌اشده بزرگ مقیاس یکی از مشکلات بزرگ این معبر محسوب می‌شود که باعث ناامنی و افزایش آلودگی در محله شده است.



مؤسسه آموزش عالی تابران در سال ۱۳۸۵ با مجوز رسمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تأسیس شد و رشته‌هایی مانند زبان انگلیسی، گرافیک، حسابداری، روان‌شناسی، مدیریت مالی و بازرگانی و... دانشجویی پذیرد.

بوستان «شهرداری» در ابتدای این خیابان قرار دارد که از سمت دیگر به بوستان محلی یاقوت متصل می‌شود و از آنجا به خیابان حسابی شمالی امتداد دارد؛ مجموعه‌ای سبز و متراکم که دارای چندین زمین بازی کودکان، آب‌نما، نشیمن مناسب، مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری است.